

نسل زد سیاست خارجی آمریکارا تغییر می‌دهد؟

اینکه آمریکایی‌های نسل زد نگاه‌های متفاوتی را در زمینه سیاست خارجی دارند خبر تازه‌ای نیست اما تجمعات دانشجویی اخیر علیه جنگ اسرائیل در غزه نشان داد که اختلاف نسلی در کشور تا چه اندازه زیاد است و این اختلاف چگونه می‌تواند در آینده ایالات متحده را از تل آویو، متحد قدیمی خود خاورمیانه دور کند.

نگاهی به نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد برخی شاخص‌ها نیازمند توجه زیادی است. در نظرسنجی ماه دسامبر مؤسسه سیاست (IOP) در مدرسه کندی هاروارد، بیشتر جوانان آمریکایی معتقدند عملیات نظامی اسرائیل پس از ۷ اکتبر توجیه‌ناپذیر است.

نظرسنجی آوپل POLITICO-Morning Consult نشان داد که تنها ۱۵ درصد از نسل زد یا اسرائیلی‌ها همدردی بیشتری دارند. همچنین، ۲۴ درصد از نسل زد این مسئله را یکی از مهم‌ترین موضوعاتی می‌دانند که بر رأی آنها تأثیر می‌گذارد، در حالی که این رقم برای افراد بالای ۶۵ سال ۱۱ درصد است.

مؤسسه افکارسنجی PEW، در آخرین نظرسنجی خود در این زمینه که در آوریل ۲۰۲۴ منتشر شد اعلام کرده است که جوانان زیر ۳۰ سال در آمریکا با مردم فلسطین همدلی بیشتری دارند. یک سوم افراد در این بازه سنی گفته‌اند که با مردم فلسطین احساس همدلی می‌کنند در حالی که ۱۴ درصد خود را همدل با اسرائیلی‌ها معرفی کرده‌اند. این نسبت در آمریکایی‌های مسن برعکس است و ۴۷ درصد خود را همدل با اسرائیل و تنها ۹ درصد خود را همدل با فلسطین معرفی می‌کنند.

رسانه‌های جدید به‌طور قطع از این وضعیت استفاده کرده‌اند و اسرائیل دیگر نمی‌تواند جریان اطلاعات و پیام‌ها را کنترل کند. قبیله‌گرایی شبکه‌ای، به گفته جان راب در مجله سیتی، «رسانه‌های سنتی را دور می‌زند و اطلاعات و چارچوب‌های اخلاقی را مستقیماً از طریق شبکه‌های اجتماعی به مردم منتقل می‌کند.»

ایالات متحده پیشتر تعداد کاربران تیک‌تاک را دارد. یک نظرسنجی از Pew در اواخر سال گذشته گزارش داد که حدود یک‌سوم از جوانان آمریکایی اخبار خود را از تیک‌تاک دریافت می‌کنند.

به‌تازگی، سناتور میت رامنی (جمهوری‌خواه-یوتا) و تونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا درباره تأثیر منفی رسانه‌های اجتماعی بر مورد قبول واقع شدن روایت‌های طرفدار اسرائیل اظهار نگرانی کردند. رامنی اعلام کرد که این یکی از دلایل رأی کنگره برای ممنوعیت تیک‌تاک بود.

آنها از اینکه ۵۰ درصد از جوانان آمریکایی به اخبار رسانه‌های اجتماعی تقریباً به اندازه رسانه‌های سنتی اعتماد دارند و اینکه تعداد بیشتری از دانشجویان معترض به رسانه‌های خارجی مانند الجزیره تکیه می‌کنند، ناراضی هستند. الجزیره تا اوایل ماه مه به پوشش شرایط در منطقه به صورت گرافیکی و مداوم ادامه می‌داد تا اینکه اسرائیل فعالیت آن را ممنوع کرد. نسل زد نباید به‌عنوان یک بلوک یکپارچه دیده شود، اما با کنار هم گذاشتن نتایج نظرسنجی‌ها به نظر می‌رسد که جوانان آمریکایی بیشتر در مورد دلایل رابطه بدون قید و شرط با اسرائیل سوال می‌کنند. رشد کردن در سایه جنگ‌های عراق و افغانستان آنها را نسبت به چشم‌انداز آینده شکاک کرده است.

جوانان آمریکایی برخلاف یک افسر بازنشسته نظامی مانند من سوال می‌کنند که چرا باید میلیاردها دلار به اوکراین و اسرائیل کمک شود.

این موارد را به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی در خانه اضافه کنید: نسل زد از سطوح بالای افسردگی و اضطراب رنج می‌برد. آنها احساس می‌کنند چشم‌انداز شغلی آنها محدود است و رویای آمریکایی دور از دسترس است. اما اخبار ناخوشایند بیشتری نیز وجود دارد: آمریکا تقریباً ۲۵ تریلیون دلار بدهی دارد، بیش از ۱۰۰ هزار دلار به ازای هر شهروند. علاوه بر این، تأمین اجتماعی با یک بدهی تقریباً ۶۶ تریلیون دلاری مواجه است و به سمت ورشکستگی پیش می‌رود، احتمالاً تا سال ۲۰۳۳ ذخایر مالی آن تمام می‌شود. اوضاع برای اقتصاد آمریکا به‌طور کلی تیره به نظر می‌رسد.

همچنین بدهی وام‌های دانشجویی به مبلغ ۱/۷۵ تریلیون دلار (شامل وام‌های فدرال و خصوصی)، به‌طور متوسط ۲۸،۹۵۰ دلار به ازای هر وام‌گیرنده وجود دارد. هم جمهوری خواهان و هم دموکرات‌ها باید حمایت بدون قید و شرط خود را اسرائیل را دوباره بررسی کنند زیرا حمایت این گروه جمعیتی دیگر تضمین شده نیست. از سوی دیگر بسیاری از دانشجویان حمایت از فلسطین را یک «ضرورت اخلاقی» می‌بینند.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

زمانی که ریشی سوناک زیر بارش شدید باران و میان همه‌همه بلندگوهای معترضان که سرود حزب کارگر را پخش می‌کردند، اعلام کرد انتخابات سراسری بریتانیا ۴ جولای برگزار می‌شود، عده بسیاری آن را اشتباهی بزرگ خواندند و تعجب کردند: چرا الان؟ چرا نخست‌وزیر خواستار برگزاری انتخاباتی شده که تقریباً باخت اودر آن قطعی است؟ ماه‌هاست که نظرسنجی‌ها حزب محافظه‌کار سوناک را بسیار عقب‌تر از حزب اپوزیسیون کارگر نشان داده‌اند و در شرایط کنونی کی‌یر استارمر، رهبر حزب کارگر، نه‌تنها می‌تواند قدرت را از آن خود کند بلکه اکثریت پارلمان را نیز به‌دست آورد.

پاسخ به این سوال ساده است: زمانی بهتر از الان وجود نداشت. تقریباً هر چندر سوناک تلاش می‌کند، نتیجه عکس می‌دهد و از طرف دیگر کاهش روزبه‌روز محبوبیت او در افکار عمومی تا پایان امسال خیلی دور از ذهن نیست.

چرا حالا؟

پیش از اعلام برگزاری انتخابات، سوناک روزهای نسبتاً خوبی را می‌گذراند. به‌نظر می‌رسد اقتصاد کشور رو به بهبودی می‌رفت و پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول هم نشان می‌داد رشد و تورم در بریتانیا بالاخره به‌سطوح نرمالی باگشته است.

یک هفته پیش از اعلام برگزاری انتخابات، هیچ اتفاق فاجعه‌باری رخ نداده بود و با وجود اینکه انتظار پیشرفت خاصی هم از سوناک وجود نداشت، او قطعاً این زمان را بهترین وقت شروع کارزار خود را دانست. همانطور که یکی از مشاوران اصلی سوناک به‌سی‌ان‌ان می‌گوید: «زمانی که نخست‌وزیر روی کار آمد با چالش‌های مهمی روبه‌رو بود: تورم، توقف رشد و مسئله مهاجران. او تعامل با این مسائل را در اولویت مأموریت خود قرار داد. توانست پیشرفت‌های واقعی و چشمگیری را کسب کند. پس پایه و اساس محکمی را داشتیم تا بگوییم که همه‌چیز در مسیر درستی پیش می‌رود. نگاه او این بود که الان بهترین زمان برای سفر به سراسر کشور است تا بگوییم ما این کارها را انجام دادیم، طرح‌های ما کارآمد است و حالا برنامه و ظرفیت لازم برای اقدامات جسورانه در هدایت کشور به‌سمت آینده‌ای امن را دارد.» از نظر قانون اساسی، سوناک باید پیش از پایان سال، درخواست برگزاری انتخابات را اعلام می‌کرد.

سال ۲۰۰۵ آخرین باری بود که حزب کارگر در انتخابات سراسری برنده شد. سال ۲۰۱۰، پس از ۱۳ سال حکومت حزب کارگر، دیوید کامرون در انتخابات سراسری پیروز شد اما نتوانست اکثریت پارلمان را به‌دست آورد. او مجبور شد تا با لیبرال دموکرات‌های میانه‌رو یک دولت ائتلافی تشکیل دهد. کامرون، با تمام مشکلاتی که وجود داشت این ائتلاف را تا سال ۲۰۱۵ سرپا نگه داشت و توانست اکثریت غافلگیرکننده‌ای را کسب کند و اولین دولت محافظه‌کار را از سال ۱۹۹۷ تشکیل دهد. طولی نکشید که فرماندهم برگزیت در سال ۲۰۱۶ در حزب کامرون دودستگی ایجاد کرد و اداره کشور را برای ۴ نفر بعدی خود غیرممکن ساخت. اولین نفر، تزا می بود.

انتخابات زودهنگام و عدم توانایی برای تصویب توافق برگزیت به‌دلیل تنفر هم‌حزبی‌هایش از آن، دوران «می» را به‌پایان رساند و بوریس جانسون را در سال ۲۰۱۹ جانشین او کرد. پس از فشار

آخرین قمار سوناک؛ هنر

چرا نخست‌وزیر بریتانیا خواستار برگزاری انتخابات

پایان سال صبر کند. با وجود آنکه نظرسنجی‌ها پیشرو بودن حزب کارگر را نشان می‌دادند، به‌نظر تنها استراتژی منطقی محافظه‌کاران امید به این ایده بود که شرایط بهتر خواهد شد.

پیش‌بینی‌های مجله اکونومیست شانس برد محافظه‌کاران را کمتر از یک درصد نشان می‌دهد. در عوض، سوناک می‌خواهد شانس خود را امتحان کند. این تصمیم چه از روی هوش سیاسی باشد یا دیوانگی، که اکونومیست روی دیوانگی شرط می‌بندد، در نهایت باید منجر به استقبال بریتانیایی‌ها شود. نزدیک شدن به انتخابات هم‌ماه‌هاست که حواس دولت را پرت کرده و سیاست را متحول کرده. چشم‌انداز انتقال قدرت به حزب کارگر گمانه‌زنی‌های بی‌پایانی را درباره اینکه چه کسی ممکن است پس از سوناک رهبری نمایندگان را بر عهده داشته باشد به‌وجود آورده و رقابتی احتمالی را بر آن داشته تا در کارزار انتخاب رهبری آینده حزب تا ایده‌های عجیب و غریب‌تری را مطرح کنند. پیش از انتخابات، سوناک خود را نامزد تغییر و همین‌اواخر به‌عنوان نمادی از تداوم، خود را تثبیت کرد.

سختگیری بر قایق‌های کوچکی که از کانال مانش عبور می‌کنند می‌تواند به او کمک کند تا تهدیدهای جناح راست حزب پوپولیستی «فرم یوکی» (با نام پیشین حزب برگزیت) را دفع کند؛ حزبی که از مهاجرت دسته‌جمعی خوشش نمی‌آید و موضوعی که اولویت اصلی کشور یا رای دهندگان نیست. اگر بخواهیم در قبال سوناک و جرمی هانت، رئیس خزانه‌داری، منصف باشیم، باید بگوییم آنها توانسته‌اند بخش عمده‌ای از اعتبار اقتصادی‌ای که تراس از دست داده بود، بازیابی کنند و از سوسه‌آویزان کردن شیرین‌کننده‌های چشمگیر مقابل چشمان رای‌دهندگان اجتناب کنند.

در این صورت انتخابات زودهنگام هرگونه احتمال ریخت و پاش غیرمستولانه نهایی را از بیس می‌برد و چشم‌انداز دورانی از ثبات سیاسی را پیش می‌کشد. تضمینی وجود ندارد که حزب کارگر در انتخابات برنده خواهد شد؛ کمپین‌های آتی نگاه موشکافانه‌تری نسبت به رهبران خود خواهند داشت.

سوال بزرگ بر سر سر غریز مداخله‌گرانه حزب کارگر و چگونگی رسیدگی به مشکلات که قدرت واقعی را با خود می‌آورد، به‌خصوص بر سر مالیات و هزینه‌هاست. اما مشکلات عمیق و ریشه‌دار بریتانیا، خدمات عمومی بی‌رونق، کمبود مسکن، بهره‌وری راکد و مسائل دیگری است که نمی‌توان آنها را با دولت محافظه‌کاری حل کرد که سرتاسر آن را شکاف، عدم توانایی در ساخت و تولید و بر خورد تعصب‌آمیز نسبت به مسائلی که می‌تواند به رشد سریع‌تر اقتصادی کمک کند - از جمله روابط نزدیک با اتحادیه اروپا - فرا گرفته است. نمایندگان پارلمان بریتانیا می‌توانستند ۶ ماه دیگر با رای دهندگان روبه‌رو شوند. ۶ هفته برای بریتانیا بهتر است.

ناشی از افشای رسوایی‌ها از جمله مهمانی‌های غیرقانونی در خیابان داوینگ در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ باعث شد جانسون اکثریت خود را از دست بدهد و در سال ۲۰۲۲ استعفا دهد.

لیز تراس ۴۵ روز روی کار بود و اقتدر آشفته‌گی اقتصادی ایجاد کرد که پوند به پایین‌ترین سطح خود در برابر دلار رسید و نرخ بهره و تورم هم جهش پیدا کردند. حزب محافظه‌کار از این هرج و مرج خسته شد و سوناک را انتخاب کرد. اینکه سوناک موفق بود یا نه موضوعی مورد بحث است. برخلاف آنچه ممکن است منابع محافظه‌کار درباره سابقه‌اش بگویند، نتایج وخیم نظرسنجی‌ها را نمی‌توان انکار کرد. عمده‌ترین سیاست مهاجرتی سوناک که مهاجران غیرقانونی را به رواندا می‌فرستاد تا روند پناهندگی خود را آنجا طی کنند به‌رغم اینکه فقط یک نفر، آن هم به‌صورت داوطلبانه و با دریافت پول، این کار را انجام داد، میلیون‌ها پوند هزینه در پی داشت. پیشروی جهانی سوناک در ممنوعیت سیگار، شرمندگی بزرگی را برای او رقم زد چون هیچ‌کدام از نمایندگان پارلمان آن را تأیید نکردند؛ موضوعی که به‌دلیل انتخابات ادامه‌دار هم نشد.

این حافظه ۲ نمونه از بدشانسی‌های سوناک‌اند. اما مخرب‌ترین مسئله در مورد او این است که افکار عمومی او را یک بازنده می‌دانند و حتی حزب خودش هم امید چندانی به او ندارد. حسی وجود دارد که می‌گوید آن چیزی که اجتناب‌ناپذیر است، در سیاست قدرتمند است، برای سوناک هم شکست اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد.

البته این شانس هم وجود دارد که نظرسنجی‌ها ما را گمراه می‌کنند و شانس دیگر هم این است که کمپین محافظه‌کاران نتیجه‌بخش باشد. محافظه‌کاران در حال شخصی کردن موضوع هستند؛ انتخابی واضح بین استارمر، رهبر حزب کارگر و سوناک. آنها ادعا می‌کنند که استارمر در مورد مسائل امنیت ملی غیرقابل اعتماد است، او فرصت‌طلبی بی‌شرم و بدون پرنسیپ است و هیچ برنامه‌ای ندارد. یک اصل قدیمی در تاریخ سیاست بریتانیا می‌گوید که حزب محافظه‌کار در جست‌وجوی قدرت، بی‌رحمانه عمل می‌کند. این اواخر به‌نظر می‌رسد شدیداً روی از دست دادن آن تمرکز کرده است؛ مشی سیاسی که نمایندگان که خط‌ایدنولوژیکی برگزیت را دنبال نمی‌کردند، از پارلمان بریتانیا حذف کرد؛ جنبشی که اکثر رای‌دهندگان حالا فراموش می‌کنند اشتباه بود. در دوران بوریس جانسون، حزب محافظه‌کار رهبری را انتخاب کرد که واضح بود برای این مقام مناسب نیست. در دوران لیز تراس، نخست‌وزیری را منصوب کرد که رکود کوتاه‌مدت‌ترین رهبر در تاریخ بریتانیا را رقم زد و شهرت حزب در مهارت‌های اقتصادی را از بین برد. حالا پس از نگاهی طولانی و دقیق به ورطه الکنسورال، یک قدم به جلو پریده است. سوناک می‌توانست برای درخواست برگزاری انتخابات سراسری تا



سال ۲۰۰۵ آخرین باری بود که حزب کارگر در انتخابات سراسری برنده شد. سال ۲۰۱۰، پس از ۱۳ سال حکومت حزب کارگر، دیوید کامرون در انتخابات سراسری پیروز شد اما نتوانست اکثریت پارلمان را به‌دست آورد. او مجبور شد تا با لیبرال دموکرات‌های میانه‌رو یک دولت ائتلافی تشکیل دهد.

